

Indigenous Knowledge of Making Traditional Footwear in the Village of Korit

Samera Salimpour Abkenar * 

Assistant Professor, Traditional Arts
Research Group, Research Institute of
Cultural, Heritage, and Tourism
(RICHT), Tehran, Iran.

Amir Anvari Moghadam 

Handicraft Studies and Research Expert,
General Directorate of Cultural
Heritage, Handicrafts and Tourism of
South Khorasan, Birjand, Iran.

1. Introduction

Giveh (traditional Iranian footwear) has been a favorite footwear of various Iranian ethnic groups from the past to the present due to its coolness, flexibility, breathability, lightness, and high strength. It is worth mentioning that this traditional footwear has a variety of appearances, forms, colors, and materials under the influence of various factors (*such as* weather conditions, customs, traditions, professions, and social classes). Previously, the art and craft of giveh weaving had particular growth and prosperity in various regions of Iran. However, after the introduction of leather and industrial shoes, the production of this footwear declined. Unfortunately, today in many Iranian cities, nothing remains except the names of master artists and the memory of the giveh weaving workshops. The village of Korit in South Khorasan Province is considered one of the important centers with an old history in the traditional art of giveh weaving. Thereafter, the craft became obsolete due to the unfortunate Tabas earthquake. It was revived and reproduced in 2014 through the efforts of the cultural, heritage, and handicrafts administration. In this regard, this research aims to protect indigenous knowledge and document the stages of traditional footwear production in the village of Korit by registering its master craftsmen. Also, this study aims to find appropriate answers to these critical questions: What are the practical steps for weaving traditional Korit village

* Corresponding Author: s.salimpour@richt.ir

How to Cite: Salimpour Abkenar, S; Anvari Moghaddam, A. (2025). Indigenous Knowledge of Making Traditional Footwear in the Village of Korit, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 13(24), PP 45-80.

footwear? What is the relation between the production of the footwear with locally raw materials and the living conditions of the residents of Korit village?

2. Literature Review

To date, no scientific research has been published on the production method of traditional Korit footwear. Therefore, the study represents a preliminary step towards preserving the intangible cultural heritage of traditional indigenous art related to foot-wearing in the village of Korit, Tabas County.

3. Methodology

This descriptive-analytical study draws on the authors' nationally registered document (No. 1316) concerning this intangible heritage, and is based on library research and interviews with craftsmen living in the village of Korit, a district of Tabas County in South Khorasan province.

4. Results and Discussion

The findings indicate that the traditional art of sewing footwear (*or* giveh weaving) has been prevalent in Tabas city and its surrounding villages since ancient times. One of the most important features of this footwear is that the raw materials used to make the tops, soles, and other parts are completely natural and indigenous. In addition, the sewing of Korit footwear includes preliminary steps—raw giveh, tirgiveh, and cotton thread—and main steps: rib-punching, making a giveh sole, giveh weaving, and embroidering. It should be noted that all stages of sewing these native footwears are carried out manually and traditionally, and with simple tools, by the artistic hands of the men and women of the village of Korit. Also, Korit's footwear do not have a left or right side, and each of their straps can be worn on either the right or left foot. Among the ritual functions of traditional Korit footwear is its use in collective rituals (celebrations, dances, and group martial arts performances).

5. Conclusion

Giveh is a type of footwear that has been made from natural and locally raw materials, *such as* cotton yarn, untanned cow (*or* camel) leather, and braided goat hair, from the past to the present. The value of traditional Korit footwear refers to the spirit of "cooperation and collaboration" between the men and women of the village in its production. At first, skilled men, with their good physical strength, carry out the laborious stage of building the Giveh's sole. Then, the weaver's women carefully weave the upper part of the footwear. The production quality and design of


these footwears are such that they are exported to other regions of Iran in addition to the capital. After the arrival of machine-made shoes and the Tabas earthquake, the indigenous art of producing footwear declined and became obsolete. However, since 2014, with the help of cultural heritage, tourism, and handicrafts administration, this craft has been revived and reintroduced in the Tabas region. The revival of this indigenous art has therefore not only preserved intangible cultural heritage but also contributed to employment and artistic tourism in the village of Korit.


Keywords: Traditional Footwear (or Giveh), Korit Village, Tabas Town, South Khorasan.



دوفصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران
دوره دوازدهم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ص ۴۵-۸۰
qjik.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjik.2025.87535.1471

دانش بومی ساخت پای‌پوش سنتی در روستای گُریت

استادیار گروه پژوهشی هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی
و گردشگری، تهران، ایران. *  **سامرا سلیم پور آبکنار**

کارشناس پژوهش مطالعات و صنایع دستی، اداره کل میراث فرهنگی،
صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، بیرجند، ایران.  **امیر انوری مقدم**

چکیده

مهارت ساخت پای‌پوش (یا گیوه‌بافی) از هنرهای سنتی و اصیل ایرانی است که اگرچه امروزه در اکثر نقاط به دست فراموشی سپرده شده است؛ با این وجود، از آن می‌توان به‌عنوان یک نماد فرهنگی و اجتماعی یاد کرد. شهرستان طبس و روستاهای اطراف آن در گذشته، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز ساخت پای‌پوش (یا گیوه) در استان خراسان جنوبی محسوب می‌شدند. از این پای‌پوش به دلیل سبکی، انعطاف‌پذیری، استحکام و راحتی برای پیاده‌روی‌های طولانی مدت در مشاغل همچون: کشاورزی، شبنانی و زندگی عشایری استفاده فراوانی می‌شد. هدف این جستار علاوه بر حفظ و پاسداری از بنیان‌های فرهنگی و هنری ایران، معرفی شیوه عملی و گام‌به‌گام هنر سنتی ساخت پای‌پوش در روستای گُریت است. اصلی‌ترین پرسش این مطالعه به «چگونگی شیوه ساخت پای‌پوش سنتی گُریت از مواد اولیه طبیعی و بوم‌آورد منطقه» بازمی‌گردد. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس مستندات کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه با استادکاران هنرمند شهرستان طبس و روستای گُریت نگاشته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهارت ساخت پای‌پوش سنتی در روستای مذکور مبتنی بر «روحیه تعاون و همکاری» زنان و مردان روستا بوده و برای ساخت آن از مواد کاملاً طبیعی (پوست شتر یا گاو، موی بز، پارچه پنبه‌ای، کتیرا، نیل و غیره) استفاده می‌شده است. علاوه بر این، مشخص شد که کیفیت ساخت و طراحی این پای‌پوش ارتباط مستقیمی با پیشه و طبقه اجتماعی سفارش‌دهندگان آن داشته است.

واژه‌های کلیدی: پای‌پوش (یا گیوه) سنتی، روستای گُریت، شهرستان طبس، خراسان جنوبی.

* نویسنده مسئول: s.salimpour@richt.ir

مقاله حاضر بر اساس پرونده میراث ناملموس با عنوان: «مهارت ساخت پای‌پوش‌های سنتی روستای گُریت» با شماره ثبت ملی ۱۳۱۶ نگاشته شده است.

مقدمه و بیان مسئله

پای‌پوش (یا گیوه) نوعی پای‌افزار سنتی است که از گذشته تا به امروز، به دلیل خنکی، انعطاف‌پذیری، تنفس‌پذیری، سبکی و استحکام بالا به‌عنوان بخشی از پوشاک بومی و محلی انواع اقوام ایرانی - به‌ویژه روستاییان و عشایرنشینان - در مناطق گرمسیری و نیمه‌گرمسیری کاربرد دارد. البته پای‌پوش‌های سنتی ایرانی تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون: شرایط آب و هوایی، آداب و رسوم، سنت‌ها، سبک زندگی، نوع حرفه و طبقه اجتماعی از شکل ظاهری، فرم، رنگ و جنس متنوعی برخوردارند. اگرچه در روزگاران گذشته هنر - صنعت گیوه‌بافی در نقاط مختلف ایران از رشد و شکوفایی خاصی برخوردار بوده است؛ با این وجود، پس از ورود انواع کفش‌های چرمی و پلاستیکی تولید آن از رونق افتاد تا جایی که امروزه در بسیاری از شهرهای ایران به‌جز نامی از اساتید هنرمند و یادی از کارگاه‌های گیوه‌بافی چیزی باقی نمانده است.

یکی از قطب‌های هنر سنتی گیوه‌بافی ایرانی، استان خراسان جنوبی و بالأخص شهرستان طبس و روستاهای اطراف آن است. در گذشته، روستای کُریت یکی از مراکز مهم گیوه‌بافی این ناحیه محسوب می‌شد که با استفاده از مواد اولیه بوم‌آورد و کاملاً طبیعی نوع خاصی پای‌پوش با کیفیت، ساده و زیبا تولید می‌کرد که علاوه بر تأمین نیازهای منطقه به استان‌های هم‌جوار نیز صادر می‌شد. پس از منسوخ شدن این هنر بومی در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، از سال ۱۳۹۳ به همت اداره میراث فرهنگی و صنایع‌دستی شهرستان طبس گیوه‌بافی روستای کُریت مجدداً احیاء شد. از مهم‌ترین اهداف این پژوهش علاوه بر توضیح دقیق مراحل تولید این هنر محلی به کمک تصاویر باکیفیت، حفاظت از دانش بومی تولید پای‌پوش سنتی کُریت در قالب یک میراث فرهنگی ناملموس است. علاوه بر این، پژوهش پیش رو، در پی یافتن پاسخی مناسب برای این سؤالات است: مراحل عملی و گام‌به‌گام بافت پای‌پوش سنتی در روستای کُریت چگونه است؟ چه ارتباطی میان ساخت پای‌پوش سنتی کُریت با مواد اولیه بوم‌آورد و شرایط زندگی ساکنان این روستا وجود دارد؟

مبانی نظری

توصیف پای‌پوش (یا گیوه): بر اساس تعریفی که در فرهنگ عمید (۱۳۷۵)، مدخل گیوه آمده است: «پای‌افزار (یا کفش) با رویه‌ای بافته‌شده از نوارهای ابریشمی یا نخی سفید و زبره‌های چرمی یا تگه پارچه‌های به هم تابیده و فشرده‌شده را گیوه^۱ می‌نامند. نوعی گیوه که رویه بلندتری نسبت به گیوه معمولی دارد و پشت پاشنه آن نیز چرم‌دوزی می‌شود، *ملکی* نامیده می‌شود». در فرهنگ دهخدا (۱۳۷۷)، مدخل گیوه نیز گیوه چنین تعریف شده است: «نوعی پای‌افزار که رویه آن را از ریسمان و نخ پرگ (یا ریسمان‌های پنبه‌ای بافته) و زیره آن را گاه از چرم و اغلب از لته‌های به هم فشرده و درهم کشیده سازند. نوعی از کفش که به آن جامگی نیز گویند».

در سفرنامه‌ها و کتب تاریخی نیز از پای‌پوش سنتی ایرانی (یا گیوه) به‌وفور یادشده و جهانگردان و مورخان آن را به اشکال مختلفی توصیف کرده‌اند: ژان شاردن^۲ (۱۳۷۶): ۸۰۳ در سفرنامه خود گیوه را نوعی کفش چسبان بدون پاشنه‌ای که بدون پاشنه‌کش (فلزی یا ساخته‌شده از چوب شمشاد) نمی‌توان آنها را پوشید و عمدتاً از سوی خدمتکاران مرد پوشیده می‌شد، توصیف می‌کند. او در ادامه توضیح می‌دهد: «... گیوه مانند جوراب‌های ما با میل بافته می‌شود، اما محکم‌تر است. راه رفتن با این نوع کفش راحت و آسان است و پا در آن نمی‌لغزند ... با این کفش‌ها می‌توان بدون زحمت دوید و جست‌وخیز کرد و بالا و پایین رفت ...». علاوه بر این، پیتر و دلاواله^۳ (۱۳۷۰: ۱۴۶) جهانگرد مشهور ایتالیایی نیز در سفری که به ایران داشته چنین می‌نویسد: «... رنگ سبز که این‌همه در ترکیه نسبت به آن سخت گیر هستند نه تنها برای عمامه، بلکه برای لباس و کفش هم استعمال می‌شود و بخصوص رنگ چرم کفش غالباً سبز است، ولی چون جنس این

1. Light cotton summer shoes
2. Jean Chardin (1643-1713)
3. Pietro Della Valle (1586- 1652)

چرم‌ها بسیار سخت است من ترجیح می‌دهم مانند مردم عادی پاپوشی که از ریسمان ظریفی بافته شده - یعنی گیوه - بر پا کنم. این کفش ایرانی با ترک‌ها اختلاف دارد یعنی نوک آن تیز و پاشنه آن نسبتاً بلند است...». کلانتر ضرابی (۱۳۷۹: ۲۴۹) در کتاب *تاریخ کاشان* از گیوه به‌عنوان پای افزار تابستانی مردم فقیر در دوره قاجار یاد می‌کند. عبدالله مستوفی (۱۳۸۶: ۳۰۴) نیز در کتاب *شرح زندگانی من* به این نکته اشاره دارد که در تهران دوران قاجار، گیوه‌های زیره نازک بخش اصلی جامه گردن‌کلفت‌ها (لوطی‌ها و داش‌مشتی‌ها) به حساب می‌آمده است.

تاریخچه و دسته‌بندی انواع پای پوش:

اگرچه درباره سابقه پای پوش سنتی ایرانی (یا گیوه) اطلاعات قابل اتکایی در دسترس نیست؛ با این وجود، رواج گیوه پوشی در ایران از سوی محققانی همچون هانس ای. وولف^۱ (۱۳۷۲: ۲۱۱) تأیید شده است: «گیوه از جمله کفش‌هایی است که معمولاً در ایران پوشیده می‌شود و کفش چرمی پس از گیوه متداول شد». گلاک^۲ (۱۳۵۵: ۲۶۲) نیز در کتاب *سیری در صنایع دستی ایران* به این موضوع اذعان می‌دارد که «گیوه، پای افزار سنتی ایرانیان است که رویه آن را با نخ پنبه‌ای می‌بافند و به تخت چرمی وصل می‌کنند».

در این راستا و بر اساس مستندات تاریخی می‌توان حداقل سه نوع پای پوش را برای ایرانیان باستان متصور بود: (۱) چرمی، مناسب سربازان (شامل: پای پوش‌های یک‌تکه چرمی جوراب مانند با پاشنه گرد؛ چکمه‌های چرمی ساق بلند؛ چکمه‌های ساق بلند با نوک رو به بالا که جلوی آن با بند بسته می‌شود^۳)، (۲) پارچه‌ای و (۳) بافتنی (یا گیوه‌ای)

1. Hans E. Wulff (1907-1967)

2. Gluck (1927-2000)

۳- احتمالاً همان پای افزار است که مادها به هنگام ورود به ایران می‌پوشیدند و مناسب زمین‌های پر گل و لای و راحت برای پیاده‌روی‌های طولانی مدت بوده است.

(سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۹۰). علاوه بر این، بر اساس شواهد تاریخی قدیمی‌ترین اثر در مورد گیوه ایرانی مربوط به سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید است که در آن طرحی از کفش‌های ساده خشایارشا و سربازان هخامنشی مشاهده می‌شوند. همچنین، در نگاره نشمی کمان‌دار اثر رضا عباسی نیز نقشی از یک گیوه ساده ترسیم شده است (تصویر ۱). از مهم‌ترین اقوامی که سابقه تولید و به پا کردن گیوه را دارند، می‌توان به کردها، بلوچ‌ها، بختیاری‌ها و گرها اشاره کرد. اگرچه گیوه‌ای که هرکدام از این اقوام به پا می‌کنند با اقلیم جغرافیایی و شرایط زیست‌بوم آنها در ارتباط است و از طرح و نقش متفاوت و منحصر به فردی نیز برخوردار است؛ با این حال، می‌توان اذعان داشت که ریشه تمامی این گیوه‌ها در واقع همان پای پوشی - با زیره چرم و رویه بافتنی - است که قدمت آن به دوره هخامنشیان بازمی‌گردد. متداول‌ترین اقسامی از گیوه که در نواحی مختلف ایران از دیرباز تولید می‌شدند نیز گیوه‌های: *ملکی*^۱ (با نوکی باریک، برگشته و ریزبافت)، *کرمانشاهی* (نوک پهن و با زیره چرمی ضخیم) و *آجیده (یا سنجانی)* (با زیره نرم و دوخته شده با نخ پنبه‌ای) نام داشتند (صداقت کیش، ۱۳۶۵: ۳۴۳).

۱- وولف این گیوه را چنین توصیف می‌کند: «گیوه ایرانی (ملکی) خیلی راحت و برای آب و هوای ایران مناسب است ولی کاملاً با نوع غربی آن فرق دارد. این گیوه یک زیره پارچه‌ای به نام شیوه دارد که دوام و مقاومت آن بسیار زیاد است و یک رویه نخی» (وولف، ۱۳۷۲: ۲۰۵).



عکس ۱- راست: طرحی از کفش ساده خشایارشا (Tilia, 1972: 54)، چپ: نقشی از گیوه در نگاره
نشیمی کماندار اثر رضا عباسی (Canby, 1996: 177).

پیشینه پژوهش

مهم‌ترین پژوهش‌های منتشر شده درباره پای پوش (یا گیوه) سنتی که از نظر محتوایی با موضوع این مقاله همسو و هم‌راستا هستند، عبارت‌اند از:
مقاله‌ای با نام: «آینده پژوهی هنر گیوه‌بافی شهرستان دهاقان» (زکریای کرمانی و رحیمی، ۱۴۰۰) به شناسایی عوامل مؤثر و ارائه راهکارهای مناسب بر توسعه، تداوم و

آینده هنر گیوه‌بافی در شهرستان دهاقان می‌پردازد. از آنجایی که تمرکز اصلی این پژوهش بر موضوع آینده‌پژوهی هنر گیوه‌بافی است، تنها در بخش کوچکی از آن به شیوه تولید پای‌پوش سنتی پرداخته است. در پژوهشی با عنوان: «گیوه (جوراب) سنجان، هنری رو به فراموشی» درباره مواد اولیه و ابزار کار تولید پای‌افزار سنتی شهرستان سنجان و آداب و رسوم رایج به هنگام بافت آن توضیح داده شده است (کریمی و حبیبی، ۱۳۸۹). همچنین، در مقاله: «گیوه سازی» نگارندگان پس از معرفی هنر گیوه سازی (ملکی سازی) به عنوان یک هنر دستی مراحل تولید آن را به صورت کاملاً توصیفی و بدون ارائه تصویر از مراحل کار توضیح داده‌اند (افشار قوجانی و نیکویی، ۱۳۸۸). در پژوهش اسنادی به نام: «پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران» بر چگونگی ساختار و شباهت‌های میان پای‌افزارهای بومی زنان روستایی و عشایری ایران متمرکز شده است (دادور و پور کاظمی، ۱۳۸۸). پژوهشی با عنوان: «پیشه گیوه‌دوزی در کازرون» به منظور حفظ آداب و رسوم و فرهنگ اقوام ایرانی، مواد اولیه و ابزار کار هنر دستی گیوه‌دوزی شهرستان کازرون را توصیف می‌کند (مظلوم زاده، ۱۳۸۳). در کنار پژوهش‌های یادشده این مقاله اقدامی پیش‌دستانه برای حفظ میراث فرهنگی ناملموس هنر بومی و سنتی پای‌پوش در روستای گُریت شهرستان طبس محسوب می‌شود که در آن مواد اولیه، ابزار کار و مراحل تولید بر اساس مصاحبه‌های میدانی با استادکاران و هنرمندان گیوه‌بافی، به شیوه گام‌به‌گام و به کمک تصاویر باکیفیت، توصیف و ارائه شده است.

روش پژوهش

این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی از طریق داده‌های حاصل از منابع و اسناد کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه با استادکاران هنرمند روستای گُریت و کارشناسان صنایع دستی شهرستان طبس در استان خراسان جنوبی نگاشته شده است. لازم به ذکر است که پرونده میراث ناملموس مهارت ساخت پای‌پوش سنتی روستای گُریت (به شماره ۱۳۱۶) در سال

۱۳۹۵ به‌وسیله نگارنده دوم در اداره کل ثبت آثار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به ثبت رسیده است.

یافته‌ها

موقعیت جغرافیایی روستای کُریت: روستای کُریت^۱ از توابع بخش مرکزی شهرستان طبس و در مسیر طبس به دیهوک^۲ در استان خراسان جنوبی واقع شده است (عکس ۲). این منطقه در دوره ساسانی کُرین نام داشت و پس از آن، روند ویرانی‌اش تا دوره اولیه اسلامی سرعت گرفت. رئیس‌السادات (۱۳۸۰: ۳۲) در کتاب *تاریخ خراسان در سده نخست هجری* نقل می‌کند: «در نزدیکی‌های طبس امروزی دهی است که نام فعلی آن کُریت می‌باشد و در متون تاریخی و جغرافیایی قدیم کُرین و یا کُری آمده است. این روستا که قبلاً هم کوچک‌تر از طبس بوده همراه با طبس خرما، طبسین را تشکیل می‌دادند...» و همچنین در جایی دیگر چنین می‌نویسد: «طبسین را دو باروست که یکی را طبس گویند و دیگری را کُرین. آن جای گرمسیر است و دارای نخلستان‌ها و آن دو دژ دروازه‌های خراسانند...» (همان: ۱۴).

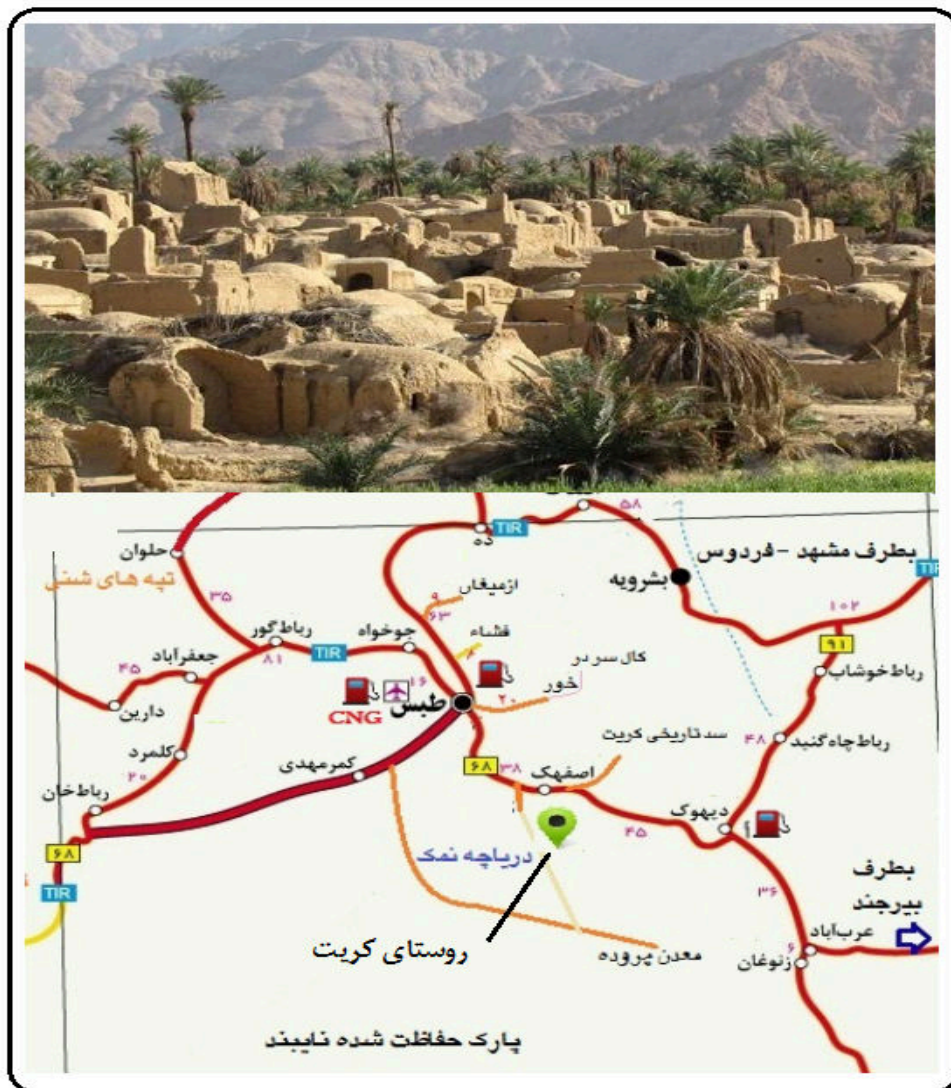
روستای کُریت با قدمتی ۱۵۰۰ ساله بر اثر زلزله ۷/۸ ریشتری طبس در سال ۱۳۵۷ ویران شد. بافت تخریب‌شده در حال حاضر بدون هیچ‌گونه تغییری به‌عنوان یک منطقه توریستی مورد بازدید گردشگران قرار می‌گیرد. پس از آن، روستای فعلی در مجاورت بافت قدیمی واقع شد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی بالغ بر ۱۶۵۷ نفر می‌باشد. به دلیل زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و دسترسی مناسب به آب سد کُریت^۳،

۱- روستای کُریت در ۳۳ درجه، ۲۶ دقیقه و ۷۱ ثانیه عرض جغرافیایی و ۵۶ درجه، ۵۶ دقیقه و ۹۶ ثانیه طول جغرافیایی و ارتفاع ۶۵۵ متر از سطح دریاهای آزاد واقع شده است (URL1).

2. Deyhuk

۳- سد یا بند کُریت باریک‌ترین و بلندترین سد جهان به مدت ۵۵۰ سال است. این سد قوسی-آجری قدمتی بیش از ۷۰۰ سال دارد که به‌دلیل معماری شگفت‌انگیزش پس از زلزله سالم و بدون تخریب باقیمانده است (URL2).

کشاورزی پیشه اصلی ساکنان این روستاست. نخلستان‌های وسیع سرسبز و باغ‌های خرم گل نرگس از جاذبه‌های طبیعی روستای کریت محسوب می‌شوند (URL2).



عکس ۲. موقعیت جغرافیایی روستای کریت در استان خراسان جنوبی (URL2).

گیوه بافی (یا تهیه پای پوش) از گذشته های بسیار دور در شهر طبس و روستاهای اطراف آن رایج بوده است. این هنر صنعت پس از ورود کفش های چرمی از دوران رشد و شکوفایی خود دور افتاد تا جایی که پس از زلزله طبس کاملاً منسوخ شد. پس از آن، در سال ۱۳۹۳ به همت اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی شهرستان طبس، این هنر سنتی و بومی مجدداً احیاء و اولین نمونه های گیوه کریت در سال ۱۳۹۴ بار دیگر بازبافی شدند (محمد هاشم مریدا، ۱۳۹۵: یادداشت ۱).

مواد اولیه پای پوش کریت:

مهم ترین ویژگی پای پوش (یا گیوه) کریت به کاملاً طبیعی بودن مواد اولیه آن بازمی گردد. بدین مفهوم که تمام مواد به کار رفته در بخش های رویه، تخت، تیر گیوه و غیره از مواد اولیه طبیعی و بوم آورد روستای کریت تهیه می شود و در ساخت این پای پوش سنتی به هیچ روی مواد شیمیایی یا مصنوعی جای ندارند. علاوه بر این، گیوه های کریت چپ و راست نداشته و هر لنگه آن را می توان برای هر پای راست و یا چپ استفاده کرد (مرتضوی، ۱۳۹۵: یادداشت ۲). مواد اولیه مورد نیاز برای ساخت پای پوش سنتی کریت در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- مواد اولیه مورد نیاز برای ساخت پای پوش کریت (نگارندگان، ۱۴۰۴).

ردیف	تصاویر	توضیحات
۱		پارچه های پنبه ای: از این خرده پارچه ها در تخت گیوه استفاده می شود.

<p>موی بز: پس از تابیدن برای اتصال دنده‌ها به یکدیگر به کار می‌رود. از مهم‌ترین ویژگی‌های الیاف طبیعی بز می‌توان به: سبکی، ظرافت، مقاومت بالا در برابر ساییدگی و حرارت، سپر طبیعی در برابر حشرات و گزش مار اشاره کرد.</p>		<p>۲</p>
<p>پوست دباغی نشده^۱ گاو، شتر یا الاغ: تکه‌های برش خورده پوست در پاشنه و پوزه گیوه به کار می‌رود. پوست دباغی نشده از استحکام بسیار بالایی برخوردار است. مرغوب‌ترین پوست برای تهیه خام گیوه پوست شتر است.</p>		<p>۳</p>
<p>نخ پنبه‌ای: برای دور دوزی تخت گیوه مناسب است.</p>		<p>۴</p>
<p>کتیرا: در پایان کار کتیرا را به کف گیوه می‌مالند تا سطح کار ضد آب شود.</p>		<p>۵</p>

۱- در اصطلاح محلی به آن خوم (Xum) می‌گویند.

پودر نیل: برای رنگ کردن تخت گیوه.		۶
-----------------------------------	--	---

ابزارها و تجهیزات موردنیاز برای ساخت پای پوش کریت:

ابزار و تجهیزات موردنیاز برای تخت کشی پای پوش کریت عبارت‌اند از: گنده^۱، برگه^۲، پیشکار^۳، دلیر^۴، مُشته^۵، شِفَره^۶، سوهان، خام سوراخ کن^۷، دَرَفش پَرک^۸، کمر بند و اِشکَلک^۹. جدول ۲ تصاویر این ابزارها را به همراه کاربردشان نشان می‌دهد (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: یادداشت ۳).

- 1 Konde
- 2 Barge
- 3 Piškār
- 4 Dalir
- 5 Mošte
- 6 Šefre

۷ در گویش محلی نَخم سِلَاخ کُن (Xamselāxkon) می‌گویند.

۸ در گویش محلی دَرُوش پَرک (Dereošepark) می‌گویند.

- 9 Eškelak

جدول ۲- ابزارهای موردنیاز برای ساخت پای پوش کزیت (نگارندگان، ۱۴۰۴).

ردیف	تصاویر	توضیحات
۱		کنده: میز کاری از جنس چوب به قطر و ارتفاع به ترتیب ۳۰ و ۵۰ سانتی‌متر است که نصف آن در درون زمین جای می‌گیرد. عملیات کوبیدن فتیله بر روی کنده انجام می‌شود.
۲		برگه: ابزاری به طول ۲۵ سانتی‌متر با میله فولادی و دسته چوبی که نوک آن شبیه پیچ‌گوشی است. از این ابزار برای ایجاد مسیر (یا سوراخ) عبور تیر گیوه از میان دنده‌ها استفاده می‌شود.
۳		پیشکار: ابزاری که میله آن کمی بلندتر از برگه است و سوراخ ایجادشده به کمک برگه را کمی گشادتر می‌کند.
۴		دلیر: سوزن بلندی به طول تقریبی ۴۰ سانتی‌متر که تیر گیوه را از میان دنده‌ها عبور می‌دهد.
۵		مُشته: وسیله‌ای فلزی و استوانه‌ای با یک کلاهک دایره‌ای شکل که دارای ۱۷ سانتی‌متر طول و ۷۰۰ گرم وزن است. از این ابزار برای کوبیدن دنده‌ها و صاف کردن تخت به هنگام رد کردن موی بز استفاده می‌شود. ^۱

۱- باید دقت شود که پاشنه مشته همواره صاف و صیقلی بوده و از کوبیدن آن بر روی اجسام سخت جلوگیری شود.

دانش بومی ساخت پای پوش سنتی در روستای ... ، سلیم پور و انوری | ۶۱

<p>شَفَره: ابزاری با تیغه تیز فولادی و دسته چوبی به طول ۳۰ و عرض ۳ سانتی متر. از این ابزار برای برش دنده‌ها بر روی کُنده استفاده می‌شود.</p>		<p>۶</p>
<p>سوهان (سنگ ساب یا سنگ سو): ابزاری برای تیز کردن شَفَره.</p>		<p>۷</p>
<p>خام سوراخ‌کن: ابزاری است برای سوراخ کردن خام‌ها (پوست شتر یا گاو) که سرش همچون پیچ گوشتی دو سو می‌باشد.</p>		<p>۸</p>
<p>درفش پرک: ابزاری است که برای سوراخ کردن تخت گیوه و برای پرک زدن به کار می‌رود.</p>		<p>۹</p>
<p>کمربند: نواری باریک از جنس چرم یا پارچه با طول و عرض تقریبی به ترتیب ۸۰ و ۵ سانتی متر که در دو طرف آن حلقه فلزی تعبیه شده و طنابی نخنی نیز دور حلقه انداخته شده است.</p>		<p>۱۰</p>
<p>اَشکِکَلک: قطعه چوبی کوچک به قطر ۱/۵ و طول ۱۵ سانتی متر که تیر گیوه را به دور آن می‌پیچند و برای کشیدن پشت طناب نخنی حلقه‌های کمربند می‌اندازند.</p>		<p>۱۱</p>

پیش مراحل ساخت پای پوش کریت: پیش از ساخت گیوه استادکار هنرمند ابتدا کار آماده‌سازی خام، تیر گیوه و نخ پرک را انجام می‌دهد که در ادامه شرح داده می‌شوند:

خام گیوه: ابتدا پوست دباغی نشده شتر^۱، گاو و یا الاغ از سوی استادکار خریداری شده و به مدت یک ماه زیر آفتاب داغ کویر نمک سود شده تا کاملاً خشک شود. چون بر روی این پوست کاری انجام نشده اصطلاحاً به آن خام می‌گویند. پس از خشک شدن پوست، آن را به قطعات کوچک تر تقسیم می‌کنند و شب پیش از شروع کار آن را خیس نموده و در میان پارچه نمداری می‌پیچند تا نرم شود. پس از نرم شدن پوست، استادکار به کمک شفره آن را به قطعات کوچک با ابعاد ۴ در ۶ سانتی‌متر مربع برش زده و آن را دولا کرده و با مُشته می‌کوبد. پس از فرآیند کوفتن، خام دولایه‌ای به ابعاد ۲ در ۶ سانتی‌متر مربع بدست می‌آید. از این خام‌ها در بخش‌های پاشنه و پوزه گیوه استفاده می‌شود. گفتنی است هر لنگه پای پوش به ۱۴ تا ۱۸ عدد خام گیوه نیاز دارد که بسته به ضخامت پوست می‌تواند متغیر باشد (عکس ۳). نحوه برش ابتدا و انتهای این خام‌ها به فرم مورّب بوده که در اصطلاح محلی به آن خرسُم^۲ می‌گویند. یک سر خام‌ها پس از فرآیند کوبیدن به کمک ابزار «خام سوراخ‌کن» سوراخ می‌شود (مقداری، ۱۳۹۵: یادداشت ۴).

۱- اغلب پوست شتر استفاده می‌شود.

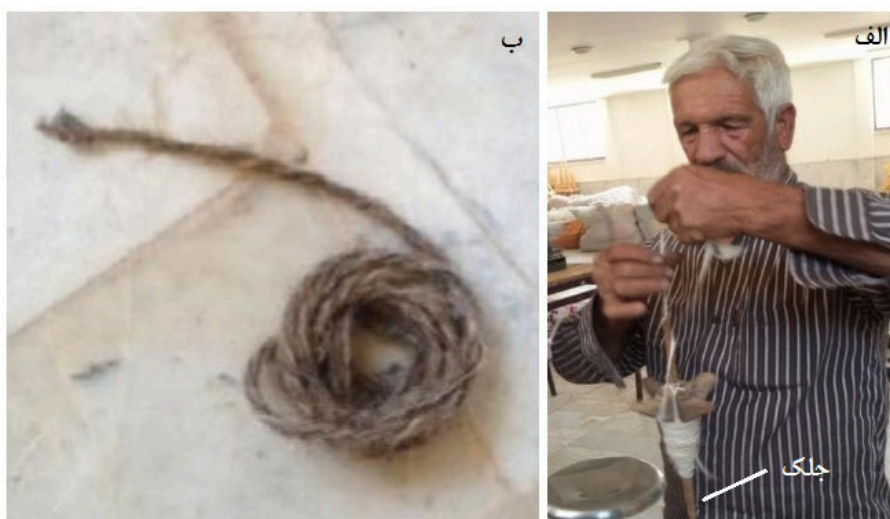


عکس ۳- الف) برش زدن خام، ب) کوبیدن خام، ج) سوراخ کردن خام و د) خام‌های آماده (نگارندگان، ۱۴۰۴).

تیر گیوه: تیر گیوه به طنابی به ضخامت ۵ تا ۶ میلی‌متر که از موی بز بافته شده و خاصیت ارتجاعی دارد، گفته می‌شود. برای تهیه این طناب ابتدا موی بز را با ابزار چوبی به نام جلکک^۱ (یا دوک نخ‌ریسی) تاییده و نخ‌ی به قطر یک میلی‌متر تهیه می‌کنند. سپس، نخ مربوطه را ۵ یا ۶ لا تابانده و در آب گرم قرار می‌دهند. هرچقدر نخ‌ها بیش‌تر به هم تاییده شوند، دوام و استحکامشان افزایش می‌یابد. نهایتاً، نخ تاییده شده به طول حدود ۴ متر را به

1. Galak

چوب یا درختی بسته و خوب می‌کشند^۱ که این فرآیند را اصطلاحاً کَش د/دن می‌گویند. پس از آنکه تیر گیوه خوب کشیده شد، سر آزاد تیر را به درخت یا میخ دیگری که درون دیوار یا زمین تعبیه شده می‌بندند. لازم به ذکر است که این نخ بایستی حدود ۲۴ ساعت به حالت کشیده باقی بماند تا خشک گردد (عکس ۴). پس از فرآیند خشک شدن، طول تیر گیوه که در ابتدا ۴ متر بود به حداقل ۵ متر می‌رسد و در حالت خشک به همان اندازه باقی می‌ماند (محمدطاهر مریدا، ۱۳۹۵: یادداشت ۵).



عکس ۴- الف) تاییدن موی بز با جلک و ب) تیر گیوه پس از خشک شدن (نگارندگان، ۱۴۰۴).

نخ پَرک: نخ پَرک نخی پنبه‌ای است که برای دور دوزی تخت گیوه استفاده می‌شود. در این مرحله استادکار ۳ رشته ۸ لا از نخ پنبه‌ای را به طول ۶ برابر قد گیوه (یا پای پوش) جدا می‌کند. سپس، نخ‌ها را از وسط به دور شصت پا پیچیده و با دست تاب می‌دهد تا به خوبی درهم تنیده شده و محکم شوند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: یادداشت ۳). نهایتاً، از این نخ برای دور دوزی استفاده می‌شود (عکس ۵).

۱- میزان کشش حداقل بایستی ۲۰ تا ۲۵ درصد طول اولیه نخ باشد.



عکس ۵-الف) ۸ لا کردن نخ پنبه‌ای، ب) تاب دادن نخ پنبه‌ای و ج) نخ پُرک تابیده شده (نگارندگان، ۱۴۰۴).

مراحل ساخت پای پوش کریت: مراحل ساخت پای پوش کریت شامل: دنده کوبی، ساخت تخت گیوه، گیوه بافی و نقش زنی است.

دنده کوبی: در گذشته اغلب لباس‌ها از جنس الیاف طبیعی (پنبه یا کتان) بود و مردم پس از کهنه و مندرس شدن لباس‌ها آن‌ها را به مغازه‌های تخت کشی می‌دادند. شاگردان نو بلد و پادو در مغازه‌های تخت کشی لباس‌های اهدایی را تکه تکه کرده و در صورت نیاز

شست‌وشو داده و آماده کار می‌کردند. علاوه بر این، شاگردان زبردست دیگری که به آنها دنده کوب می‌گفتند پارچه‌ها را به ابعاد ۸ در ۱۲ سانتی‌متر مربع درآورده و با آب مرطوب می‌کردند. سپس، سه یا چهار لا از پارچه‌ها را بر روی هم قرار داده و با مشت می‌کوفتند تا به شکل مستطیلی به ضخامت ۱/۵ تا ۲ میلی‌متر و پهنای ۲ سانتی‌متر درآید (عکس ۶). البته طول این پارچه‌ها با توجه به اینکه در کدام بخش از پای‌پوش (پنجه، سینه و یا پاشنه) قرار گیرند، مابین ۸ تا ۱۲ سانتی‌متر متغیر است^۱. در هر جفت پای‌پوش بسته به بزرگی و کوچکی آن حدود ۱۲۰ تا ۲۲۰ عدد پارچه (یا دنده) استفاده می‌شود. در گذشته، هر کارگر ماهر می‌توانست روزانه برای یک تا حداکثر دو جفت پای‌پوش دنده آماده کند (مقداری، ۱۳۹۵: یادداشت ۴).



عکس ۶- الف) برش زدن پارچه‌ها، ب) پارچه‌های آماده‌شده برای تخت گیوه، ج) مرطوب کردن پارچه‌ها، د) قرار دادن تکه‌های پارچه بر روی هم، ه) تا زدن پارچه‌ها، ی) کوبیدن پارچه‌ها (یا دنده‌ها) (نگارندگان، ۱۴۰۴).

۱- طول پارچه‌هایی که در بخش پنجه (یا پوزه) و سینه قرار می‌گیرند، متفاوت است.

ساخت تخت گیوه: پس از آماده شدن دنده‌ها، استاد تخت کش آن‌ها را به صورت کتابی کنار هم قرار می‌دهد. باید توجه داشت که تمامی دنده‌ها از نظر ارتفاع بایستی یکسان باشند و به یک اندازه نیز کوبیده و پرس شده باشند^۱. دنده‌ها در سه دسته جداگانه برای سه بخش اصلی پای پوش (یعنی: پوزه (یا پنجه)، سینه و پاشنه کار) دسته‌بندی می‌شوند. در مرحله بعدی، ابزار سوراخ کاری برگه و پیشکار را از قبل در منقل (یا گودال) آتش خوب داغ می‌کنند (محمد طاهر مریدا، ۱۳۹۵: یادداشت ۵). آنگاه، پنجه و سینه تخت را از وسط به کمک برگه داغ سوراخ کرده و سپس، سوراخ ایجاد شده را با ابزار پیشکار گشادتر می‌کنند تا تیر گیوه را بتوان به وسیله دلیر از میان سوراخ عبور داد (عکس ۷).



عکس ۷. الف) دنده‌های چیده شده به صورت کتابی، ب) سوراخ کردن دنده‌ها به کمک برگه و ج) گشاد کردن سوراخ با استفاده از پیشکار (نگارندگان، ۱۴۰۴).

۱- در گذشته، برای چوپانان و ساربانان که از گیوه زیاد استفاده می‌کردند، تخت‌های ضخیم و پرکار و برای صاحب منصبان و ثروتمندان از تخت‌های ظریف و سبک استفاده می‌شد (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: یادداشت ۳).

در مرحله بعد، انتهای تیر را گره می‌زنند و تخت را میان دو شصت پا گرفته و تیر را به کمک اشکلک محکم می‌کشند و با مشته بر روی تخت ضربه وارد می‌کنند، تا محکم شود. پس از آن که تیر را خوب کشیدند، در کنار سوراخی که دلیر از آن خارج شده به فاصله ۱۵ میلی‌متر سوراخ دیگری به کمک برکه ایجاد می‌کنند و این بار پاشنه تخت را به وسیله تیر به سینه و پنجه (یا پوزه) پای پوش وصل می‌کنند (عکس ۸).



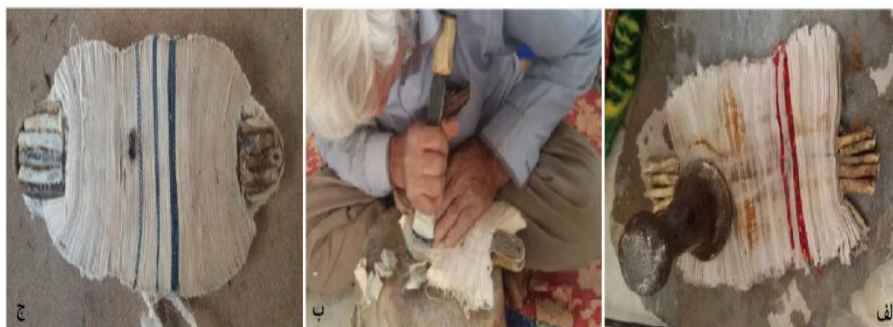
عکس ۸- الف) اضافه کردن پاشنه به سینه، ب) رد کردن تیر اول از پنجه و سینه و کشیدن با اشکلک، ج) طریقه قرار گرفتن دنده‌ها در پنجه و پاشنه (نگارندگان، ۱۴۰۴).

به همین ترتیب، ۵ تا ۶ سوراخ در تخت ایجاد کرده و هر بار تیر را از میان آنها عبور می‌دهند و به کمک کمر بند و اشکلک تیر را خوب کشیده تا تخت محکم و یکپارچه شود. علاوه بر این، با ایجاد هر سوراخ دو یا سه تکه خام را که قبلاً سوراخ شده از تیر می‌گذرانند و در جای خود محکم می‌کنند. نهایتاً، آخرین سوراخ که مربوط به تیر پنجم است از پنجه (یا پوزه) تا انتهای سینه رسیده و قسمت انتهای تخت سوراخ نمی‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: یادداشت ۳). وقتی تیر تا وسط تخت آمد آن را از لابه‌لای دنده‌ها دو سه مرتبه به صورت رفت و برگشتی رد کرده و قطع می‌کنند (عکس ۹).



عکس ۹- الف) طریقه کشیدن تیر گیوه، ب) مکان قرارگیری تیر آخر، ج) رد کردن دلیر از بین دنده‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۴).

نهایتاً، پس از ساخت یک لنگه از پای پوش به سراغ لنگه دیگر می‌روند و مطابق مراحل توضیح داده شده آن را نیز می‌سازند. زمانی که جفت تخت آماده شد، آن‌ها را با آب خیس کرده و زیر وزنه‌ای صاف و سنگین قرار می‌دهند تا صاف و بدون انحناء شود^۱. پس از آب زدن، به دلیل خاصیت ارتجاعی موی بز، به هم فشردگی دنده‌ها و کوتاه‌تر شدن طول تخت به اندازه ۱ تا ۲ سانتی‌متر مشاهده می‌شود (عکس ۱۰).



عکس ۱۰- الف) تخت گیوه خیس خورده و زیر وزنه قرار گرفته، ب) اصلاح تخت گیوه با شفره، ج) تخت گیوه اصلاح شده (نگارندگان، ۱۴۰۴).

۱- مرطوب کردن باعث جمع شدن موی بز در تیرهای تخته شده و فشردگی بیش‌تر دنده‌ها را به همراه دارد. اگر جسم سنگین بر روی تخت گیوه قرار نگیرد، منجر به بروز انحناء و کجی می‌شود.

پس از ساخت تخت گیوه فرآیند پَرک زدن یا دور دوزی شروع می‌شود. دور دوزی به کمک درفش پَرک انجام می‌شود. در این مرحله استادکار بامهارت تمام هر دو یا سه دنده را سوراخ کرده و از هر کدام از سه لای نخ را تا وسط سوراخ عبور می‌دهد. پس از ایجاد سه سوراخ در تخت گیوه نیز سه رشته نخ دوتایی را از انتها به ابتدای تخت آورده و از سوراخ‌ها عبور می‌دهند. این کار را دورتادور تخت انجام می‌دهند. به بیانی ساده‌تر، پَرک گیوه وظیفه اتصال رویه گیوه به تخت را داراست (عکس ۱۱).

پس از پَرک دوزی، تخت گیوه را با ماده‌ای صمغی (مانند کتیرا) پوشش می‌دهند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: یادداشت ۳). این ماده چسبنده علاوه بر استحکام بخشی، کار آب‌بندی تخت را نیز انجام می‌دهد؛ زیرا تخت گیوه کاملاً از جنس پارچه است و آب می‌تواند به راحتی به درون آن نفوذ کند. از این رو، کتیرا زدن مانع از نفوذ آب و رطوبت به درون پای پوش می‌شود. ماده چسبنده کتیرا با نفوذ به درون دنده‌ها تا حدودی می‌تواند مانع ورود آب و رطوبت به تخت گیوه شود. پس از کتیرا زدن به مدت ۲ تا ۳ ساعت تخت گیوه را زیر نور آفتاب قرار می‌دهند تا خشک شود (عکس ۱۲-الف).



عکس ۱۱- الف) سوراخ کردن تخت با درفش پَرک، ب) عبور نخ پَرک از سوراخ، ج) تعداد ۶ عدد نخ پَرک عبور داده شده، د) تخت پَرک دوزی شده (نگارندگان، ۱۴۰۴).



عکس ۱۲. الف) کتیرا زدن، ب) تخت گیوه رنگ‌شده، ج) تخت گیوه ساده (نگارندگان، ۱۴۰۴).

پس از کتیرا زدن بنا بر سلیقه استادکار تخت گیوه می‌تواند رنگ‌آمیزی شود. برای این کار از پودر نیل استفاده می‌شود. پس از حل کردن پودر نیل درون آب از قلم‌مو برای رنگ‌آمیزی پشت تخت گیوه استفاده می‌کنند. چون در گذشته از پارچه‌های رنگی و مندرس برای ساخت تخت گیوه استفاده می‌شد، برای یکدست و زیباتر شدن کار کف تخت گیوه را رنگ‌آمیزی می‌کردند (مقداری، ۱۳۹۵: یادداشت ۴). سپس، ابزار پیشکار را داغ کرده و بر روی سطح رنگ‌آمیزی شده می‌کشیدند تا برق بیفتد و جلوه بهتری داشته باشد (عکس ۱۲-ب).

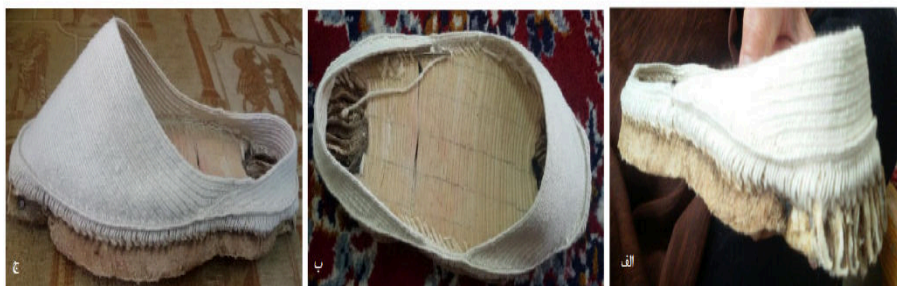
گیوه‌بافی: از گذشته تا به امروز، بافتن رویه گیوه (یا گیوه‌بافی) کاری ظریف و بر عهده زنان بوده است. اگر شخص بافنده ماهری باشد می‌تواند کار بافتن رویه یک جفت گیوه را در طول یک شبانه‌روز به اتمام برساند. از ویژگی‌های گیوه‌بافی طبس و روستاهای اطراف آن این بوده که رویه گیوه در حالت اتصال به تخت بافته می‌شد و این امر باعث زیبایی، یکدست شدن و دوام بیشتر پای‌پوش می‌شده است (مرتضوی، ۱۳۹۵: یادداشت ۲). برای بافت رویه گیوه از بهترین نخ که نوعی نخ پنبه‌ای سفیدرنگ به نام نخ هندی بود، استفاده می‌شد. نخ هندی از تاب، استحکام و کیفیت بالایی برخوردار بود. علاوه بر این

نخ، زنان روستا از نخ‌های پنبه‌ای دست‌ریس خود نیز استفاده می‌کردند. لازم به ذکر است که برای گیوه‌بافی از سوزنی بلند و ضخیم استفاده می‌شود (عکس ۱۳-الف). برای بافتن یا در اصطلاح محلی ورچیدن، بافنده علاوه بر پرک استادکار، خود نیز یک رج (یا رگ) به‌طور کامل دورتادور تخت را می‌بافند که به این بافت نیز پرک می‌گویند. برای بافت پرک از نخ ۱۰ لا با تاب راستگرد (یا تاب Z) استفاده می‌شود. برای انجام این کار ابتدا سوزن را از زیر یک یا دو پرک تخت عبور داده و نخ را دور سوزن قلاب کرده و می‌کشند تا بر روی پرک تخت، قلاب جدیدی ایجاد شود. این فرآیند را دورتادور تخت تکرار می‌کنند. در رج یا رگ اول که اصطلاحاً به آن گشتی (یا گشت) می‌گویند، یک کوک از پرک ایجاد شده را با سوزن گرفته و با قلاب کردن نخ به دور سوزن و ایجاد کوک اولیه، مابقی کوک‌ها را به‌صورت یک کوک از پایین و یک کوک از بالا ایجاد می‌کنند (عکس ۱۳-ب و ج). لازم به توضیح است که در بافت رویه گیوه پس از اتمام هر رگ، از نوعی سوزن که از سوزن گیوه‌بافی کوتاه‌تر و سر آن نیز گردتر است، استفاده می‌شود. این سوزن را در پشت رگ بافته‌شده قرار داده و سه بار به‌صورت رفت و برگشتی بر روی کار می‌کشند تا کوک‌ها از هم بازتر شده و برای رگ بعدی، سوزن گیوه‌بافی راحت‌تر از میان کار عبور کند. این فرآیند رگ‌کشی نامیده می‌شود (جنتیان، ۱۳۹۵: یادداشت ۶).



عکس ۱۳-الف) نخ پنبه‌ای و سوزن، ب) پرک‌زنی بافنده، ج) پرک و گشتی (نگارندگان، ۱۴۰۴).

پس از اتمام گشتی و انجام رگ‌کشی، بافت پاشنه گیوه آغاز می‌شود. در این مرحله از نخ ۶ یا ۸ لا استفاده می‌شود. بافت پاشنه از سمت چپ و خام‌ها انجام می‌شود. رگ‌ک اول پاشنه به صورت یک کوک از پایین و دو کوک از بالا (برای انداختن قیطان به دور کار) بافته می‌شود. در رگ بعدی، تعداد ۸ کوک از هر طرف به رگ قبلی اضافه شده و کوک‌های اضافه به صورت یک کوک از پایین و دو کوک از بالا و همچنین، کوک‌هایی که روی رگ قبلی بافته می‌شود به شیوه دو کوک از پایین و دو کوک از بالا بافته می‌شوند (خمسه، ۱۳۹۵: یادداشت ۷). بافت پاشنه به همین روش ادامه می‌یابد تا تعداد رگ‌ها به عدد ۷ برسد (عکس ۱۴-الف).



عکس ۱۴-الف) بافت پاشنه، ب) بافت پوزه، ج) پیش‌دوانی (نگارندگان، ۱۴۰۴).

پس از بافت پاشنه، بافت پنجه (یا پوزه) گیوه آغاز می‌شود (عکس ۱۴-ب). بافت پوزه از سمت راست خام‌ها به سمت چپ انجام می‌شود. همچون بافت پاشنه، رگ اول و کوک‌های اضافه شده به هر رگ، به صورت یک کوک از پایین و دو کوک از بالا و مابقی کوک‌ها به فرم دو کوک از پایین و دو کوک از بالا بافته می‌شوند؛ با این تفاوت که در هر رگ ۳ کوک به رگ قبلی از هر طرف اضافه می‌شود. به همین دلیل، پیش‌روی کار در این مرحله کمی کندتر است. نهایتاً، حدود ۲۰ تا ۲۲ رگ تا رسیدن به رگ‌های پاشنه بافته می‌شود (سلطان سابق، ۱۳۹۵: یادداشت ۸).

مرحله بعدی که پیش‌دوانی نام دارد، در هر رگ ۸ تا ۹ کوک از هر طرف به رگ قبلی اضافه می‌شود تا رویه گیوه بالا بیاید. در مرحله پیش‌دوانی حدود ۵ تا ۶ رگ بافته می‌شود (عکس ۱۴-ج).

پس از مرحله پیش‌دوانی، بافنده شروع به کم کردن تعداد کوک‌ها در هر رگ می‌نماید که به این رگ‌ها اصطلاحاً نیم‌رگی می‌گویند. برای بافت نیم‌رگ‌ها، تعداد ۳ کوک از هر طرف در هر رگ کم می‌شود تا در انتها اندازه رگ آخر به حدود ۲ تا ۳ سانتی‌متر برسد. گفتنی است تعداد نیم‌رگ‌ها حدود ۱۷ تا ۱۸ رگ است. پس از پایان بافت نیم‌رگی‌ها یک دور بافت رو رگی انجام می‌شود. برای این مرحله از بافت، یک کوک از پایین و دو کوک از بالا بافته می‌شوند (عکس ۱۵).



عکس ۱۵- الف) نیم‌رگی، ب) اتمام نیم‌رگی، ج) رو رگی (نگارندگان، ۱۴۰۴).

پس از پایان کار رو رگی، بافت پاشنه ادامه می‌یابد. در این مرحله نیز از هر طرف ۳ تا ۴ کوک از هر رگ کم شده تا رگ آخر به حدود ۳ تا ۴ سانتی‌متر برسد. تعداد نیم‌رگ‌ها در بخش پاشنه حدود ۱۳ تا ۱۴ رگ است. پس از بافت پاشنه، یک دور رو رگی و دو دور قیطان‌دوزی دورتادور کار بافته می‌شود. پس از اتمام بافت کامل رویه، بافت شیرازه شروع می‌شود. برای این بافت از نخ ۱۰ لا استفاده می‌شود. بافت شیرازه به فرم کوک‌های زنجیره ماندی است که ابتدا بر روی پَرک ایجاد می‌کنند و پس از گرفتن هر کوک، پَرک نخ را یک‌بار از سمت چپ و بار دیگر از سمت راست کوک خارج می‌نمایند (خمسه، ۱۳۹۵).

دانش بومی ساخت پای پوش سنتی در روستای ... ، سلیم پور و انوری | ۷۵

یادداشت ۷). بدین ترتیب، بافت زیکزآگ ماندنی دورتادور کار بر روی پرک ایجاد می شود (عکس ۱۶).



عکس ۱۶- الف) بافت کامل پاشنه، ب) قیطان دوزی، ج) شیرازه، د) شیرازه و شبکه (نگارندگان، ۱۴۰۴).

نقش زنی: رویه گیوه می تواند ساده یا نقش دار باشد. در شهرستان طبس و روستاهای اطراف رویه را معمولاً ساده می بافند و چنانچه بخواهند نقش اندازی کنند، نقش مایه سه لوزی رایج تر است^۱ (عکس ۱۷). در این نقش مایه لوزی وسط بزرگ تر از دو لوزی بالایی و پایینی است. علاوه بر این، از چرم قرمز رنگ (یا چرم عراقی) به صورت نوار مستطیل شکلی در ابعاد ۲ در ۱۵ سانتی متر بریده و در بخش جلوی پای پوش و یا به فرم مثلث در پشت آن برای زیبایی، استحکام و تزئین استفاده می کنند. البته باید توجه داشت که چرم دوزی در ساخت پای پوش ها عمومیت نداشته و بنا بر سفارش مشتری، بزرگان و یا خانان انجام می شده است (خمسه، ۱۳۹۵: یادداشت ۸).

۱- نقش مایه مثلث عموماً بیانگر نگاه مصنوعی یک چشم (یا بدچشمی) است و ترسیم آن در دست بافته ها در واقع بیانگر نوعی نگاره تعویذی «چشم زخم» می باشد (تاشکیران، ۱۳۹۱: ۹۶).



عکس ۱۷- پای پوش کریت: الف) با طرح سه‌لوزی، ب) ساده (نگارندگان، ۱۴۰۴).

کارکرد پای پوش کریت در آیین‌های سنتی: از مهم‌ترین کاربردهای پای پوش‌های سنتی طبس و به‌ویژه روستای کریت استفاده از آنها در آیین‌های جمعی می‌باشد. در گذشته، عموماً از این پای پوش‌ها به دلیل سادگی و زیبایی ظاهری در آیین‌های شادی، پایکوبی‌های جمعی و یا رزم‌های گروهی استفاده می‌شده است. علاوه بر این، پیش از رواج کفش‌های صنعتی و ماشینی، در شب بله‌برون، خانواده داماد به همراه حلقه ازدواج و لباس (یا پارچه)، یک جفت پای پوش (یا گیوه) سنتی نیز به عروس هدیه می‌دادند. پیشکشی یک جفت پای پوش به همراه انواع خوراکی‌ها و تنقلات محلی در شب یلدا به عروس نیز از نشانه‌های ارزشمندی این دست ساخته بومی در میان ساکنان شهرستان طبس و روستای کریت بشمار می‌آید (مرتضوی، ۱۳۹۵: یادداشت ۲).

بحث و نتیجه‌گیری

پای پوش (یا گیوه) سنتی کریت، پای‌افزاری است که تماماً از مواد اولیه طبیعی و بوم‌آورد همان منطقه نظیر: نخ پنبه‌ای، چرم دباغی نشده گاو یا شتر، موی بافته‌شده بز تهیه می‌شده است. این هنر دستی و بومی تا دهه ۴۰ خورشیدی پیشه اصلی بیش از ۵۰ درصد ساکنان طبس و روستاهای اطراف آن من جمله روستای کریت محسوب می‌شده است. آنچه

موجب اصالت و ارزشمندی این پای افزار از گذشته تاکنون شده روحیه «همکاری و همیاری» مردان و زنان منطقه در کنار یکدیگر برای تولید آن است. مردان استادکار هنرمند با قدرت بدنی خوب خویش اقدام به کار پرمشقت «ساخت تخت گیوه» می نمودند و پس از آن، زنان بافنده «رویه بافی پای پوش» را با دقتی بالا و ظرافتی مثال زدنی انجام می دادند. طبیعی بودن کف پای پوش، پنبه ای بودن رویه آن، سبکی و جلوگیری از عواملی نظیر: خستگی کف پا، تعریق و آسیب رساندن از مزایای پای پوش سنتی کریت است. کیفیت بالای این محصول بومی که حاصل مشارکت زنان و مردان اقلیم طبس و بالأخص روستای کریت است، سبب شد که به سایر نواحی ایران و حتی پایتخت نیز صادر شود. اگرچه پس از ورود کفش های پلاستیکی و چرمی، حرفه گیوه بافی در این منطقه - به ویژه پس از زلزله طبس - رو به افول رفت و منسوخ شد؛ با این وجود، به همت اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی شهرستان طبس از سال ۱۳۹۳ مجدداً احیاء و باز بافی شد. احیاء و تولید دوباره هنرهای سنتی و اصیل ایرانی که منسوخ شده و یا در حال فراموشی هستند، علاوه بر گامی کوچک برای حفظ میراث فرهنگی ناملموس، می تواند در ایجاد اشتغال برای نیروهای جوان بومی بسیار مؤثر باشد. چه بسا نیروهای جوانی که با ابداع و خلاقیت بی بدیل خود و همچنین، تلفیق هنر سنتی با تکنولوژی روز دنیا علاوه بر تعریف کارکردهای جدید، بازار عرضه و تقاضای بزرگ تری را به مدد دنیای مجازی برای معرفی و رونق بخشیدن به خرید و فروش پای پوش سنتی کریت فراهم آورند.

تعارض منافع

تعارض منافی وجود ندارد.

سپاسگزاری

نگارندگان از همکاری های صمیمانه جناب آقایان رسول بهبهانی - ریاست وقت اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان طبس - و محمد هاشم مریدا و

همچنین، سرکار خانم فاطمه مرتضوی بابت اطلاعات ارزشمندشان، هماهنگی برای حضور و مصاحبه با استادکاران هنرمند در روستای کریت و شهرستان طبس قدردانی می‌نمایند.

مشخصات مصاحبه‌شوندگان

سال و مکان مصاحبه	تخصص	نام و نام خانوادگی
۱۳۹۵، شهرستان طبس	ریاست وقت اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی شهرستان طبس	رسول بهبهانی (۴۵ سال)
۱۳۹۵، روستای کریت	استادکار تخت‌کش گیوه	محمدحسن ذوالفقاری (۷۳ سال)
۱۳۹۵، شهرستان طبس	استادکار تخت‌کش گیوه	محمدحسین مقداری (۹۲ سال)
۱۳۹۵، شهرستان طبس	استادکار تخت‌کش گیوه	محمدطاهر مُریدا (۹۲ سال)
۱۳۹۵، شهرستان طبس	استادکار رویه‌بافی	زنده‌یاد عصمت جنتیان (۶۹ سال)
۱۳۹۵، شهرستان طبس	استادکار رویه‌بافی	خدیجه خمسه (۷۳ سال)
۱۳۹۵، شهرستان طبس	استادکار رویه‌بافی	خدیجه سلطان سابقی (۹۰ سال)
۱۳۹۵، شهرستان طبس	راوی و پژوهشگر	محمدهاشم مُریدا (۵۵ سال)
۱۳۹۵، شهرستان طبس	پژوهشگر ارشد صنایع دستی	فاطمه مرتضوی (۴۰ سال)

ORCID

Samera Salimpour Abkenar

 <https://orcid.org/0000-0001-9871-0091>

Amir Anvari Moghadam

 <http://orcid.org/0000-0002-4583-4100>

منابع

- افشار قوجانی، دارا و نیکویی، زهرا. (۱۳۸۸). «گیوه‌سازی». *رشد آموزش هنر*، شماره ۱۸: ۵۶-۶۰.
- تاشکیران، نوردن. (۱۳۹۱). «مطالعه مفاهیم نمادین نقش‌مایه‌ها بر روی گلیم»، ترجمه: مهدیه سلیمی بنی و محمد افروغ. *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۷۲: ۹۴-۱۰۲.
- جنتیان، عصمت. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «رویه بافی هنر بومی گیوه‌بافی در طبس»، یادداشت ۶.
- خمسه، خدیجه. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «رویه بافی هنر بومی گیوه‌بافی در طبس»، یادداشت ۷.
- دادور، ابوالقاسم و پور کاظمی، لیلا. (۱۳۸۸). «پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایری ایران». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۷، شماره ۴: ۳۷-۵۶.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیتر و دلاواله؛ قسمت مربوط به ایران*، ترجمه: شجاع‌الدین شفا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ذوالفقاری، محمدحسن. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «تخت‌کشی پای‌پوش کریت»، یادداشت ۳.
- رئیس‌السادات، سید حسین. (۱۳۸۰). *تاریخ خراسان در سده نخست هجری*. مشهد: نشر جلیل، چاپ اول.
- زکریای کرمانی، ایمان و رحیمی، افسانه. (۱۴۰۰). «آینده‌پژوهی هنر سنتی گیوه‌بافی شهرستان دهاقان». *هنرهای صناعی ایران*، سال چهارم، شماره ۲: ۳۷-۵۰.
- سرفراز، علی‌اکبر و فیروزمندی، بهمن. (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی؛ ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*. تهران: انتشارات عفاف، چاپ اول.
- سلطان‌سابقی، خدیجه. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «رویه بافی هنر بومی گیوه‌بافی در طبس»، یادداشت ۸.
- شاردن، شوالیه. (۱۳۷۶). *سفرنامه شوالیه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، جلد اول. تهران: نشر توس، چاپ اول.
- صداقت‌کیش، جمشید. (۱۳۶۵). «تاریخچه صنعت گیوه‌دوزی در ایران: گیوه و ملکی». *چیستا*، شماره ۳۵: ۳۳۵-۳۴۶.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

- کریمی، محسن و حبیبی، نسیمه. (۱۳۸۹). «گیوه (جوراب) سنجانی، هنری رو به فراموشی». کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۳: ۱۲۴-۱۲۹.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم. (۱۳۷۹). *تاریخ کاشان*، به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- گلاک، جی. و گلاک، سومی. (۱۳۵۵). *سیری در صنایع دستی ایران*، ترجمه: یحیی ذکاء و رضا علوی. تهران: انتشارات بانک ملی ایران، چاپ اول.
- مرتضوی، فاطمه. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «هنر سنتی ساخت پای پوش در طبس»، یادداشت ۲.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)*، جلد اول. تهران: نشر هرمس، چاپ اول.
- مقداری، محمدحسین. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «تخت کشی پای پوش کریت»، یادداشت ۴.
- مریدا، محمدطاهر. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «تخت کشی پای پوش کریت»، یادداشت ۵.
- مریدا، محمدهاشم. (۱۳۹۵). مصاحبه درباره «هنر سنتی ساخت پای پوش در طبس»، یادداشت ۱.
- وولف، هانس. (۱۳۷۲). *صنایع دستی کهن ایران*، ترجمه: سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- Canby, Sheila. R. (1996). *The Rebellious Reformer: the Drawings and Paintings of Rizi-Yiabbasi of Isfahan*, London: I B Tauris Publications.
- Tilia, Ann. Britt. (1972). *Studies and Restorations at Perspolis and Other Sites of Fars*, Vol. II. Rome: IsMEO Publications.
- URL1: www.portal.sko.ir
- URL2: www.tabasenc.ir/8820

استناد به این مقاله: سلیم پور، سامرا و انواری مقدم، امیر. (۱۴۰۴). دانش بومی ساخت پای پوش سنتی در روستای کُریت. دو فصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران، ۱۲(۲۴)، ۴۵-۸۰.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.